

ستارگان فروزان

لجستیک

شهید:

« حاج محمد عبادیان »

تهیه و تنظیم: مهدی انبارداران



به تشکیل تیپ محمد رسول... اقدام نماید. در این زمان بنا به درخواست شهید همت، شهید عبادیان سکندار لجستیک تیپ گردید. استعداد، شوق، وظیفه شناسی، انگیزه خدمت و خصوصیات ذاتی شهید عبادیان باعث شد تا وی علی‌رغم عدم تجربه و آشنایی کامل با مأموریت لجستیک، نسبت به انجام آن اهتمام ورزد و در این راه به قدری مجرب گردید که عملیات‌های گسترده‌ای مانند فتح‌المبین، بیت‌المقدس، والفجرها، کربلاها و دیگر مأموریت‌های لشکر بدون هیچ‌گونه مشکل لجستیکی انجام پذیرفت.

طرح‌ها و ابتکارات این شهید بزرگوار در دیو و تأمین امکانات مورد نیاز رزمندگان در جزایر مجنون می‌تواند در دانشکده‌های فرماندهی و ستاد به عنوان سر مشق قرار گیرد.

شهید عبادیان معتقد بود: تدارکات و لجستیک از اموری است که همواره در قبل، حین و بعد از عملیات جاری و ساری بوده و از اهمیتی ویژه برخوردار است و پیروزی در عملیات، با انجام وظیفه دقیق، سریع و بموقع تدارکات نیروها امکان‌پذیر است.

او آن‌چنان ساده و بی‌پیرایه کارهای لجستیک از قبیل هدایت و فرماندهی، تخلیه و بارگیری اقلام، را انجام می‌داد که تمامی یارانش شیفته مرام او شده بودند. نیروهای رسمی، بسیجی، قراردادی، سرباز، پیر، جوان و میانسال هر کدام که یکبار شهید عبادیان را ملاقات می‌کردند پایبند لجستیک لشکر ۲۷ محمد رسول... می‌شدند. برخورد سراسر احترام و

شهید حاج محمد عبادیان در سی‌ام فروردین سال ۱۳۲۹ در یک خانواده مذهبی در بهشهر متولد شد و دوران کودکی را در زادگاهش گذراند؛ وی قرآن کریم را قبل از ورود به مدرسه، در مکتب خانه مادر فاضله‌اش، فرا گرفت.

شهید عبادیان دوران دبستان و دبیرستان را در این شهر به پایان برد. سپس به همراه خانواده‌اش به تهران آمد و در بازرسی کارخانجات کفش ملی مشغول به کار گردید.

با اوج‌گیری نهضت اسلامی به رهبری حضرت امام خمینی در سال ۱۳۵۷ با برادر گرامیش مهندس شهید علیرضا عبادیان در صحنه‌های مختلف انقلاب شرکت فعال داشت. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و به دنبال دولتی شدن کارخانجات کفش ملی، شهید عبادیان به کارخانه بازگشت و به همراه همفکرانش با راه‌اندازی چرخ‌های از کار افتاده و تشکیل مقاومت بسیج این واحد صنعتی به فعالیت‌های شبانه روزی پرداخت. سپس با شروع جنگ تحمیلی همراه برادران بسیج کارخانجات کفش ملی به جبهه سردشت اعزام شد و به عنوان رزمنده‌ای عادی خدمت کرد. پس از اتمام مأموریتش در سردشت، در واحد نظارت و پی‌گیری منطقه مرکزی سپاه به انجام وظیفه مشغول شد. در اواخر سال ۶۱ و به دنبال تشکیل سپاه ۱۱ غرب به همراه شهید سردار حاج احمد همت به آن سپاه منتقل شد و مسئولیت واحد نظارت و پی‌گیری آن سپاه را به عهده گرفت. پس از اتمام مأموریت سپاه ۱۱ غرب، سردار جاودان اثر حاج احمد متوسلیان مأموریت یافت نسبت

اسلام و ولایت فقیه حرکت کنند و ادامه دهنده راه دهها هزار شهیدی که داده‌ایم باشند. کلام امام حسین (ع) را فراموش نکنید که فرمود: "ان الحیاء عقیده و جهاد". به پدر و مادر وصیت می‌کنم در صورت شهادت من در مقابل چشم کوردلان تا آنجا که می‌توانند از گریه کردن خودداری کنند امیدوارم این فرزند حقیر خود را ببخشند. به همسرم سفارش می‌کنم همان طور که فکرش در خط امام و رهبر عزیزمان هست، خط فکری فرزندانم را نیز در راه اسلام و روحانیت سوق داده و وسائلی فراهم آورد تا پسر علم دینی را بیاموزد. ان الله مع الصابرين.

**شهادت: عشق به خدا و احکام الهی اوست
شهید با ریختن خونسش به ما درس می‌دهد،
چراغ راه ما می‌شود، مسیر حرکت ما را مشخص
می‌کند.**

یادی از حاج محمد عبادیان

یکی از یاران او می‌گوید: شب شهادت حضرت زهرا (س) بود، آن شب خیلی خسته بودم - چون روز سختی را سپری کرده بودیم. آن روزها در بحبوحه عملیات پیروزمندانه کربلای پنج بودیم و یک لحظه آرام و قرار نداشتیم. در حالی که سخت نگران انجام کار بودم، یکباره صدایی آشنا از پشت سر، توجه مرا به خود جلب کرد به عقب نگاه کردم قامت بلند و استوار حاجی را دیدم که لنگ لنگان به طرفم می‌آمد. حاج محمد عبادیان با لبخند همیشگی بر لب و سیمایی پر جاذبه و نورانی که برای همه بچه‌ها روحیه‌انگیز بود به طرفم آمد، در زیر نور منورهای دشمن چهره نورانی و بهشتی حاجی را دیدم. قلبم گواهی داد این آخرین گذر حاجی است. به نظرم آمد چهره حاجی منطقه را روشن کرده است. یکدیگر را در آغوش گرفتیم. آغوشش سرشار از آرامش بود؛ پنجه در پنجه‌ام انداخت. گویی می‌خواست اندکی رفع خستگی کند. با وجود آنکه پای حاجی در عملیات کربلای چهار مجروح شده بود و به خاطر همین موضوع اندکی با زحمت قدم برمی‌داشت؛ ولی او دست از غرور مردانه‌اش برنمی‌داشت و دوش به دوش سایر رزمندگان می‌جنگید و فرماندهی می‌کرد. اخلاص، معنویت، ادب و تدبیر او بین بچه‌های لجستیک و مهندسی زبانزد بود و با اخلاق اسلامی و روحیه بسیجی‌اش همه بچه‌ها را شیفته خود کرده بود.

آن شب حاجی وقت زیادی نداشت و پس از اندکی گفتگو از من حلایت طلبید و خداحافظی کرد و به طرف دستگاه‌های مهندسی - در حال اعزام به خطوط مقدم - رفت، در حالی که عظمت او را تماشا می‌کردم دلم به جدا شدنش راضی نمی‌شد. فردای آن شب با خبر شدم حاجی به آرزوی دیرینه خود یعنی شهادت در راه خدا نائل شده و به سوی معبودش پیر گشوده است. روحش شاد و راهش پر رهرو باد.

مهربانی او با نیروها و مراجعه کنندگانش زبانزد خاص و عام بود. شهید عبادیان خستگی‌ناپذیر انجام وظیفه می‌کرد. وی بحق نمونه ایثار و خلوص بود و همیشه خود را مدیون رزمندگان اسلام می‌دانست و عقیده داشت تا وقتی رزمندگان اسلام - که ولی نعمت‌های ما هستند - به طور کامل از وسائل و امکانات مورد نیاز برخوردار نشده‌اند، کارکنان تدارکات نباید راحت باشند.

شهید عبادیان مصداق کامل مردی بود که به گفته امام راحل از دامان همسرش به معراج رسید.

شهید عبادیان در فاو طی عملیات والفجر هشت بسختی مصدوم و در بیمارستان بستری گردید. ولی نه جراحت وارده و نه شهادت برادر عارفش در آن عملیات توانست مانع از بازگشت او به لشکر و انجام وظیفه‌اش گردد. در عملیات کربلای چهار، شهید عبادیان مجدداً مجروح گردید ولی قبل از پایان زمان نقاهت مجدداً به لشکر مراجعه کرد و در مسئولیت مهندسی لشکر راهی انجام عملیات کربلای پنج شد. او در حالی که بدون عصا بسختی قادر به حرکت بود نیروهایش را در تمامی لحظات همراهی می‌کرد. در همین عملیات بود که این شهید بزرگوار در شب وفات بانوی بزرگ اسلام حضرت فاطمه زهرا (س) به دیدار حق شتافت و پیکر غرق به خونسش پس از تشییع باشکوه، در حرم قدس رضوی به خاک سپرده شد.

شهید عبادیان در خصوص واژه شهادت این‌گونه اظهار می‌دارند:

«شهادت مسئله‌ای بسیار مهم و عظیم می‌باشد و کمتر انسانی حتی لیاقت تشریح این واژه را دارد. عظمت شهید، روح شهید از دایره ارزش‌های مادی زندگی فراتر است. هر شهید جامعه‌ای را متحول می‌نماید. چه بسیار والدینی که در تکالیف دینی خود اهمال می‌کردند و با رفتن فرزندان‌شان به جبهه مخالف بودند ولی، همین که فرزندان شهید می‌شوند، [می‌شد] روحانیت عجیبی تمام آن خانواده را فرا می‌گرفت، آنها الگو می‌شدند، و نفرات بسیاری را جایگزین شهید خود می‌نمودند.

شهادت: عشق به خدا و احکام الهی اوست شهید با ریختن خونسش به ما درس می‌دهد، چراغ راه ما می‌شود، مسیر حرکت ما را مشخص می‌کند و ما را در نیل به مقاصدمان مصمم تر می‌نماید.

خداوند متعال انشاء... ما را هم به این فیض عظیم نایل نماید»

قسمتی از وصیت نامه شهید

الَّذِينَ آمَنُوا وَ هِجَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَكْثَرُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ (سوره توبه - آیه ۲۰)

وصیت من به همسر، پدرم، مادرم به خصوص برادران و خواهرانم، آن است که اگر بعد از من بخواهند راهم را ادامه داده و مرا از خود راضی و خشنود نمایند، همواره در خط